

بررسی و نقد رویکرد EQ در روایات جمع قرآن

khorasani110@gmail.com

علی خراسانی / عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

دریافت: ۱۳۹۶/۰۴/۱۴ - پذیرش: ۱۳۹۶/۱۰/۱۱

چکیده

دائرةالمعارف قرآن لیدن (EQ)، که پرآوازه‌ترین اثر قرآن‌پژوهی غربیان در سده‌های اخیر است، از جهات صوری و محتوایی قابل نقد است؛ همانند جامعیت نداشتن مقالات، فقدان درک مطلب و استناد ندادن به منابع معتبر و یا برداشت‌های نادرست از برخی آیات قرآن؛ ولی هیچ موضوع نقدپذیری به اهمیت شبهه‌افکنی در وحی‌انیت قرآن کریم نیست؛ زیرا با خدشه در وحی‌انیت قرآن، اساس اسلام و رسالت پیامبر مخدوش می‌شود.

مقاله حاضر نحوه طرح موضوع روایات جمع قرآن را به اجمال در آثار پیشینیان و به تفصیل در مقالات EQ بررسی و مقایسه می‌کند و به نقد دیدگاهی می‌پردازد که از رهگذر پر و بال دادن به روایات جمع قرآن، در پی تشکیک در اصالت و وحی‌انیت قرآن است؛ دیدگاهی که به رغم وجود ادله و شواهد فراوان بر جمع‌آوری قرآن در زمان رسول خدا ﷺ کوشیده است توقیفی بودن در ترتیب سوره‌ها و چینش آیات و نگارش قرآن در زمان آن حضرت را انکار کند. همچنین در این مقاله در رد دیدگاه مذکور، به شماری از ادله عقلی، شواهد تاریخی و ادله نقلی، که بیانگر جمع و تدوین قرآن کریم در زمان حیات رسول خدا ﷺ است، می‌پردازیم.

کلیدواژه‌ها: قرآن کریم، جمع قرآن، دائرةالمعارف قرآن لیدن EQ، خاورشناسان.

یکی از مباحث مطرح درباره قرآن، که خاورشناسان به تفصیل به آن پرداخته‌اند، موضوع «گردآوری قرآن پس از نزول آن» است. مقصود از «جمع قرآن»، نگارش قرآن و عرضه آن به صورت کنونی است که در چند مرحله بوده است. در مرحله اول، صحابه پس از شنیدن آیات از رسول خدا ﷺ بدون هیچ‌گونه نظم و ترتیب، آن را می‌نگاشتند. در مرحله بعد، مجموعه آیات هر سوره نظم و ترتیب یافت و در جایگاه کنونی خود قرار گرفت؛ و در مرحله سوم، سوره‌ها هم تنظیم شد.

بسیاری از مورخان (خلیفه بن خیاط، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۳۵۵)، محدثان (بخاری، بی‌تا، ج ۴، ص ۲۲۹ و ج ۵، ص ۲۱۰)، و مفسران (طبری، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۲۱۰) به دلیل روایات و گزارش‌های گسترده‌ای که در این خصوص آمده، باب مستقلی به جمع قرآن اختصاص داده‌اند، و در قرون بعدی، مباحث گسترده‌ای در این باره شکل گرفته و عالمان مسلمان دیدگاه‌های متفاوتی اتخاذ کرده‌اند. بسیاری از دانشوران اهل سنت بر این باورند که اگرچه کتابت قرآن کریم در زمان رسول خدا ﷺ انجام شد، ولی رسماً جمع‌آوری نگردید و در قالب کتابی مدون در زمان آن حضرت به مسلمانان ارائه نشد؛ چنان‌که زرکشی در کتاب *البرهان* خود آورده است که پس از رسول خدا ﷺ اصحاب آن حضرت قرآنی را که بر روی چوب‌ها، استخوان‌ها، سنگ‌ها و رقع‌ها و پوست حیوانات نوشته شده و پراکنده بود جمع‌آوری کردند و آن را منظم و مرتب ساختند (زرکشی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۳۲۶).

این نوشتار در پی طرح مباحث گسترده خاورشناسان در موضوع تاریخ‌گذاری قرآن و بررسی روایات و گزارش‌های گوناگون و نقد و بررسی آن نیست، بلکه مباحثی را ارائه می‌دهد که خاورشناسان به بهانه موضوع جمع قرآن، کوشیده‌اند با طرح گزارش‌های روایی و تاریخی، در اصالت و اعتبار قرآن کریم تشکیک کرده، و حیانت آن را مخدوش سازند، اگرچه به نظر می‌رسد که علاقه نشان دادن همه خاورشناسان یا بیشتر آنها به مبحث «جمع‌آوری قرآن» از آن روست که بتوانند در اصالت قرآن تردید کنند، به‌ویژه مستشرقانی که در تحلیل‌های خود، جمع قرآن را در دوران پس از رسول خدا ﷺ ترجیح داده‌اند.

در آغاز، به نمونه‌هایی از این مباحث در آثار دیگر مستشرقان و سپس به نظرات مطرح در EQ می‌پردازیم:

الف. جمع قرآن در دیگر آثار خاورشناسان

از نخستین خاورشناسانی که به موضوع «تاریخ‌گذاری قرآن» و به تبع آن، موضوع «جمع‌آوری قرآن» پرداخته، تودور نولدکه است. این مستشرق آلمانی در سال ۱۸۵۶ م پایان‌نامه خود را با عنوان *تاریخ قرآن* ارائه کرد که بعدها توسط شاگردش شوالی و دیگران بازنگری و تکمیل شد و در سه جلد عرضه گردید. جلد دوم این کتاب به جمع و تدوین قرآن اختصاص یافته است. در بخشی از این کتاب آمده است:

بدیهی است که قرآن در زمان پیامبر جمع نشده است؛ زیرا روایتی از زید بن ثابت وجود دارد که اشاره می‌کند

که در زمان پیامبر، قرآن به هیچ وجه گردآوری نشد. دیدگاه دیگری نیز وجود دارد که به اخبار و روایاتی استناد می‌کند تا نسخهٔ تدوین یافته به دست ابوبکر را ثابت کنند. بنابراین، براساس این روایات، خلیفه نخست با نصوص وحیانی پراکنده و پاره‌پاره روبه‌رو بود، و یا آن‌چنان که سیوطی تفسیر می‌کند، این آیات در یک‌جا گردآوری نشده بود و سوره‌ها نیز مرتب نبودند. اما این سخنان با نتایجی که در فصل قبل در مورد وحدت ادبی و ساختار سوره‌ها و نقش خود پیامبر در تکمیل برخی سوره‌ها بیان شد، ناسازگار است (زنجانی، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۲۴۰).

نولده که در ادامه، مسلمانان را در موضوع «جمع قرآن»، دارای سه دیدگاه می‌داند: جمع قرآن از سوی ابوبکر؛ جمع قرآن از سوی عمر؛ شروع جمع قرآن از سوی ابوبکر و انجام آن توسط عثمان (همان، ص ۲۵۲). از آن‌رو که نولده نگارش قرآن را در زمان خلفا می‌داند، او حروف مقطعه در آغاز برخی سوره‌ها را اشاره به نام‌های صحابه‌ای می‌داند که نسخه‌ای از مصحف برای خود نوشتند و نامشان را به رمز در آغاز سوره‌ها نهادند. مثلاً (ر) و (ز) اشاره به زبیر؛ (ص) اشاره به حفصه؛ (م) اشاره به مغیره؛ (ن) اشاره به عثمان؛ (ه) اشاره به ابوهریره دارد (مرتضی کریمی‌نیا، علوم حدیث، ش ۳۵ و ۳۶).

از جمله مستشرقانی که تدوین و نگارش قرآن در زمان رسول خدا ﷺ را استبعاد کرده، خاورشناس معاصر فرانسوی رژی بلاشر است. او در مقدمه خود بر ترجمه قرآن به زبان فرانسوی، به مباحث فراوانی از جمله موضوع «جمع قرآن» پرداخته است. به نظر بلاشر، بخش‌هایی از قرآن در زمان رسول خدا ﷺ تدوین یافته، ولی این کار به صورت کامل انجام نشده است. او در این مقدمه، تصریح می‌کند که از زمان نزول وحی‌های اولیه، تا هنگامی که این آیات به کتابت درآمد، فاصله زمانی وجود داشته است. از جمله ادله‌ای که او برای این فاصله زمانی بیان کرده، ناآگاهی پیامبر از رسالت خود است. به گفته وی، پیامبر در آغاز نمی‌دانست که برگزیده خداست و این سخنان سرآغاز تبلیغی است که جهان را دگرگون خواهد کرد و هیچ‌کس در آن موقع، به فکر حفظ وحی نیفتاده بود، مگر در حافظه؛ و هنگامی پیشنهاد شد آنها را بنویسند که مدت زمانی از آغاز نزول وحی گذشته بود.

دیگر دلیل بلاشر برای عدم نگارش قرآن در زمان پیامبر، فقدان امکانات لازم برای کتابت وحی است؛ وحیی که ممکن بود در هر جا و در هر زمان، در سفر، هنگام نماز، شب و یا روز نازل شود؛ بدین‌رو، در زمان حیات پیغمبر، فقط مجموعه کوچکی از سوره‌ها به ترتیب درازی سوره‌ها، تنظیم شده بود. او می‌افزاید: اساساً در دوران محمد ﷺ حافظه به عنوان وسیله اساسی نقل و حفظ قرآن شمرده می‌شد. بلاشر پس از این مطلب، این پرسش را مطرح کرده است که آیا دلیلی داریم که در زمان حیات محمد ﷺ آن عده از صحابه پیامبر، که قرآن را از حفظ داشتند- و تعدادشان هم محدود است- تمام قرآن را در حافظه خود ضبط کرده باشند؟ و خود در ادامه، به این پرسش پاسخ داده و با استناد به روایتی مبنی بر فراموشی آیاتی توسط رسول خدا ﷺ به صورت تلویحی نتیجه گرفته است که وقتی پیامبر نتواند به حفظ کامل قرآن موفق باشد و آیاتی را فراموش کند، تکلیف صحابه معلوم است (بلاشر، ۱۳۶۵ ص ۳۰ تا ۳۳).

براساس مباحث پیش گفته، در جمع‌بندی دیدگاه بلاشر در موضوع «جمع قرآن»، در دو جمله می‌توان گفت: همه قرآن در زمان حیات رسول خدا ﷺ تدوین و نگارش نشد و وحی در حافظه‌ها قرار گرفت. از آن رو که رسول خدا ﷺ خود بعضاً دچار فراموشی گردید، اطمینانی وجود ندارد که قرآن در حافظه‌ها محفوظ باقی مانده و دچار فراموشی نشده باشد.

رژمی بلاشر می‌نویسد:

اختلافات موجود میان مصحف ابن مسعود و ابی و مصحف عثمانی توجه اروپا را به خود جلب کرده است؛ مثلاً فاتحه‌الکتاب و سوره‌های ۴۷ و ۴۸ و ۱۱۳ و ۱۱۴ در مصحف ابن مسعود وجود نداشته‌اند، در صورتی که مصحف ابی و شاید هم مصحف ابن عباس علاوه بر ۱۱۴ سوره مصحف عثمانی، دو دعایی را هم که متن آنها در ذیل آمده، جزء قرآن دانسته شده است (همان، ص ۴۸) و همین آقای بلاشر در جای دیگر، مدعی شده است که آیات نازل شده در مکه جمع‌آوری نشده و در قرآن فعلی نیست، بلکه جمع و ثبت آیات در مدینه آغاز شد و از همین رو، قرآن فعلی فقط در بردارنده آیات نازل شده در مدینه است (سوقی، بی تا، ص ۱۱۲).

البته فرضیه «اشاره رمزی حروف مقطعه» نخستین بار از سوی نولده که در کتاب *تاریخ قرآن وی منتشر شد و در سال ۱۸۶۰ میلادی طرح گردید.*

براساس این نظر، حروف مقطعه از متن قرآن نیست، بلکه می‌تواند نشانه اسامی مؤمنانی باشد که در دوره پیامبر ﷺ مجموعه‌ای از سوره‌ها را برای خود جمع کرده بودند، و زمانی که زید بن ثابت قرآن را گرد آورد، این رموز مالکان نسخه‌های خطی را در مصاحف به کار برد، و زمانی که مسلمانان در دوره‌های بعدی دیگر معانی آن را نمی‌دانستند بر حسب تصادف وارد متن قرآن شد (زنجانی، ۱۴۱۰ق، ص ۲۱۵).

گلدزیه‌ر نیز جمع قرآن را در زمان رسول خدا ﷺ نفی می‌کند. از نظر او، در تمام دوران نخستین اسلامی، هیچ‌گاه تمایلی برای تهیه نصی واحد از قرآن به وجود نیامد، مگر اهتمام‌های بی‌اهمیت (جولد تسپهر، ۱۳۷۴ق، ص ۴).

مونتگمری وات، خاورشناس انگلیسی، نیز به رغم تأکید بر اهتمام مسلمانان به قرآن و کتابت آن، جمع قرآن را در سال ۶۵۰ م مصادف با سال ۲۹ هجری قمری در دوران خلافت عثمان می‌داند (مونتگمری وات، ۱۹۹۸م، ص ۱۲۸).

وزن برو هم تاریخ‌نگاری و تقویم سنتی جمع و تدوین قرآن را مردود می‌داند و بر این نظر است که قطعیت نهایی و تثبیت متن قرآن قدم به قدم با شکل‌گیری جامعه همگام است. از نظر او، جمع و تدوین قرآن مربوط به چند نسل پس از رسول خدا ﷺ است. او پایان قرن دوم هجری را زمان مناسبی می‌داند که سنت شفاهی و عناصر دینی گردآوری شده باشد (کریمی‌نیا، ۱۳۸۰، ص ۱۱۸-۱۴۶).

ب. جمع قرآن در EQ

در EQ اگرچه به صورت پراکنده در شماری از مقالات به مناسبت‌هایی به این موضوع اشاره شده است، ولی به صورت محوری، مقاله «جمع قرآن»، نوشته جان برتن متکفل بررسی این موضوع است. این مقاله به تفصیل، ابعاد گوناگون جمع قرآن و ارتباط آن با نسخ قرآن را پی گرفته است.

جان برتن در مقاله خود می‌نویسد: روایات مسلمانان درباره «جمع قرآن»، همانند هر روایت دیگر، باید با عرضه به پس‌زمینه گسترده‌تر تلقی اسلامی، که از دل آن پدید آمدند، آزموده شوند. تأثیرگذارترین مفسران و بیشتر فقها بر این باورند که هیچ‌گاه تمام قرآن گردآوری نشد. محققان غربی هم با تبعیت از کتاب *تاریخ قرآن* نولدکه، منتشرشده در سال ۱۸۶۰، همین نظر را تکرار کرده‌اند. از این منظر، باید به یک تمایز لغوی اساسی اشاره کرد: منظور از «قرآن» تمام آن چیزهایی بوده که به عنوان «کتاب خداوند» بر پیامبر نازل شده است. این کلمه نه بر شیئی معین، بلکه بر یک مفهوم دلالت دارد. از سوی دیگر، کتاب به‌جا مانده یا تجلی مکتوب آن «مصحف» نامیده می‌شود و احادیث مربوط به جمع قرآن به هویت، اصالت و کامل بودن آن به عنوان متنی مکتوب می‌پردازند.

گفته شده است که برخی از صحابه پیامبر در زمان حیات ایشان، نسخه‌هایی شخصی از آیات قرآنی تهیه کرده بودند که اهمیت آنها تنها پس از مرگ پیامبر مشخص شد. این متون، که آنها هم «مصحف» خوانده می‌شوند، تفاوت‌هایی با یکدیگر دارند. علاوه بر این، میان این متون و متن مشخص مصحف (رسمی) هم، که گفته می‌شود حکومت به طور رسمی قریب دوازده سال پس از وفات پیامبر آن را رواج داد، تفاوت‌هایی به چشم می‌خورد. متن اخیر، که به «مصحف عثمانی» مشهور است، سه دسته «حذف» نسبت به قرآن و حذف چهارمی هم در مقایسه با مصحف‌های صحابه دارد.

عقیده بر این است که فقه اسلامی عمدتاً برگرفته از دو منبع قرآن و سنت است. در ابتدا، «سنت» را گزارش اقوال و اعمال نسل‌های اولیه مسلمانان می‌دانستند، اما از آن‌رو که در اواخر قرن دوم هجری، اختلافات فراوانی در این گزارش‌ها پدید آمد، «سنت» را دوباره تعریف کردند و آن را به «اقوال و اعمال شخص پیامبر» منحصر دانستند. این گزارش‌ها از طریق صحابه پیامبر و تابعان به دست ما رسیده است.

در باب برخی موضوعات فقهی، احکامی وجود دارد که در «مصحف عثمانی» ذکر نشده است و تصور می‌شود که از سنت نشئت گرفته‌اند. بعضی از احکام فقهی هم با احکام مندرج در این مصحف مغایرت دارند. برخی عالمان ریشه این تفاوت‌ها را هم در سنت جست‌وجو کرده‌اند. اما برخی دیگر - که متأثر از نگاه دینی‌شان یقین داشتند که پیامبر در تمام لحظات تحت هدایت وحی الهی بوده است - به وجود آیاتی قایل‌اند که گفته می‌شود زمانی جزئی از قرآن بوده، اما از تمام مصحف‌ها حذف شده‌اند.

مثلاً در متون اولیه، تقریباً اجماعی را می‌توان یافت مبنی بر اینکه حد انواع خاصی از زنا محصنه سنگسار است، اما این حکم با مجازات مصرح در آیه ۲ نور مغایرت دارد: «به هر زن زناکار و مرد زناکار، صد تازیانه بزنید». برخی دقیقاً به همین دلیل که مجازات «سنگسار» در مصحف وجود ندارد، آن را رد کرده بودند. اما اکثریت افراد این مجازات را پذیرفتند؛ زیرا در فقه سنتی وجود داشت، و چنین استدلال کردند که این امر نشان می‌دهد سنت قرآن را نسخ کرده است. برخی دیگر با این فرض که اقوال و اعمال یک انسان هر قدر هم که متعالی باشد باز هرگز نمی‌تواند به پای کلمات شارع مقدس برسد، به این استدلال روی آوردند که سنگسار باید از یک آیه قرآنی دیگر

نشئت گرفته باشد و آیهٔ مربوط به سنگسار از قرآن مصحف حذف شده است.

بنابراین، علم فقه مشخص می‌کرد که فقدان نصی تأیید کننده در مصحف، هیچ نوع استلزام منفی برای تداوم اعتبار حکمی دینی ندارد. همچنین به موجب فقه سنتی، وجود یک نص در مصحف، هیچ‌گونه استلزام مثبتی برای تداوم اعتبار حکمی دینی ندارد؛ مثلاً به نظر می‌رسد که در آیهٔ ۲۴۰ بقره، دوره‌ای دوازده ماهه تعیین می‌شود که طی آن زن بیوه (مطلقه)، چون نمی‌تواند قانوناً به عقد نکاح جدیدی درآید، مستحق برخورداری از مسکن و نفقه است. اما به نظر می‌رسد که آیهٔ ۲۳۴ بقره این مدت را به چهار ماه و ده روز تقلیل می‌دهد و در فقه هم همین حکم اجرا می‌شود. از این‌رو، نتیجه گرفتند که آیهٔ ۲۳۴ برای نسخ آیهٔ ۲۴۰ نازل شده بود، هر چند مفاد هر دو آیه در مصحف باقی مانده است.

این دو، نمونه‌ای از حذف‌های محدود مصحف‌اند. در یک جا، حذف نص قرآن روی داده، اما حکم آن همچنان پابرجاست؛ جای دیگر حاکی از نادیده گرفتن حکمی است که نص آن همچنان وجود دارد.

نمونه‌های دیگر را، که شامل حذف هم نص و هم حکم‌اند، در اظهار نظرهای تفسیری کهن دربارهٔ معانی ضمنی آیاتی می‌توان یافت که همچنان در مصحف موجودند؛ مثلاً مفسران آیات ۶-۷ سوره اعلیٰ را: «ما به زودی بر تو خواهیم خواند تا فراموش نکنی - جز آنچه را خدا بخواهد»، چنین معنا کرده‌اند: «مگر آنچه خدا بخواهد که تو، محمد ﷺ، فراموش کنی».

ابی بن کعب روایت می‌کند که سورهٔ احزاب به اندازهٔ سورهٔ بقره بود «و ما آیهٔ سنگسار را در سورهٔ احزاب تلاوت می‌کردیم». ابوموسی اشعری (ف حدود ۴۲) روایت کرده است که سورهٔ احزاب زمانی به اندازهٔ سورهٔ توبه بود، «اما من، جز یک آیه، همهٔ آن را به فراموشی سپرده‌ام». حذیفه اعلام کرد: «امروز شما یک چهارم سورهٔ توبه را هم قرائت نمی‌کنید»، و عایشه مدعی شد که سورهٔ احزاب زمانی ۲۰۰ آیه داشت. سورهٔ احزاب مصحف رسمی ۷۳ آیه دارد. این قبیل روایات بسیاری از افراد را متقاعد کرد که (در این موارد)، هم نص قرآن و هم احکام آن مجموعاً فراموش شده بود. گفته می‌شود که هر دو نوع حذف «کامل» و «محدود» اشاره شده در آیهٔ ۱۰۶ سوره بقره، مربوط به آیه‌ای هستند که «منسوخ» یا «فراموش شده» است: «ما نسخ من آیه او نسهها»، و بعداً آیه‌ای بهتر یا مشابه جای آن را گرفت (دائرة المعارف قرآن، جمع قرآن، ج ۲، ص ۳۳۹ و ۳۴۰).

آنجلیکا نویورت در مقاله «سوره» EQ در تعریف «سوره» به گونه‌ای مشی کرده است که جمع قرآن در زمان رسول خدا را نفی می‌کند. او می‌نویسد:

سوره قطعاً با متن، اما نه لزوماً متن مکتوب، در پیوند است (ر.ک: سنت شفاهی و مکتوب در عربستان). به نظر می‌رسد سوره به یک متن تلاوت شده یا به تعبیر دقیق‌تر، به بخشی که در موقعیتی خاص به عموم ابلاغ شده است، اشاره دارد. به هر حال، این موضوع کاملاً مورد تردید است که واژه «سوره» در زمان پیامبر، به طور کلی، برای اشاره به بخش‌هایی از قرآن، که بعدها به عنوان سوره مشخص شدند، به کار رفته باشد.

حتی او در جمع و تدوین قرآن در زمان خلفا، تردید کرده و آن را در زمان حکومت عبدالملک احتمال داده است. او می‌نویسد:

درحالی که نام‌گذاری و ترتیب سوره‌ها نتیجه تنظیمات متنی بعدی است (ر.ک: مصحف، جمع قرآن)، سامان‌دهی متن به شکل توالی سوره‌ها به زمان تدوین خود قرآن می‌رسد که بر اساس روایات، در زمان عثمان بن عفان (حک: ۲۳-۳۵)، خلیفه سوم، صورت گرفت. اگرچه شواهد بیرونی این تاریخ‌گذاری را تأیید نمی‌کنند، تدوین و نشر رسمی قرآن باید در دوره‌ای پیش از دوران حکومت عبدالملک (حک: ۶۵-۸۶)، خلیفه اموی، صورت گرفته باشد؛ زیرا گواهی‌هایی از عالمان آن زمان بر این امر وجود دارد (دائرة المعارف قرآن، سوره، ج ۳، ص ۳۹۵).

آنجلیکا نویورت در مقاله «شکل و ساختار قرآن» EQ نیز جمع قرآن را پس از پیامبر ﷺ می‌داند و به گونه‌ای بحث خودش را پیش برده است تا شبهه «تحریف» را القا کند. او می‌نویسد:

براساس روایات اسلامی غالب، نسخه نهایی و معتبر قرآن مرهون بازنگری آن در شورای است که عثمان بن عفان (حک: ۲۳-۳۵)، خلیفه سوم، تشکیل داد. بر این نکته ادعان شده است که هنگام تکوین این نسخه، ترتیبی برای سوره‌ها لحاظ شد که تا آن زمان تثبیت نشده بود. در موارد متعددی نیز آیاتی که به صورت مجزا نقل شده بودند، وارد سیاق‌هایی کاملاً جدید شدند. اما این شورا تنها مطالبی را می‌پذیرفت که وثاقت آنها با سنت شفاهی و یا مکتوب معتبر تأیید می‌شد، و تمام مجموعه وحی قرآنی را، که در آن زمان در دسترس بود، در نظر می‌گرفت. بنابراین، در نگاه سنتی، نقش این شورا تنها جمع قرآن بوده است؛ جمعی تمام‌عیار و در تطابق کامل با تصور مسئول اصلی این امر، یعنی عثمان - که براساس گزارش‌ها، گذشته از رعایت برخی احتیاط‌های زبان‌شناختی - وظیفه‌ای جز جمع‌آوری همه بخش‌های موجود قرآن را برعهده بازنگران قرار نداده بود. گزارش‌های سنتی درباره جمع قرآن، با شواهدی که خود متن (قرآن) ارائه می‌کند، سازگار است؛ زیرا مصحف جدید ادعای هیچ‌گونه مبنای منطقی زمانی (برحسب نزول) یا عقیدتی برای ترتیب واحدهای مستقل (سوره‌ها) ندارد و ظاهراً تنها براساس معیارهای خارجی فنی سامان یافته است. این کتاب همچنین حاوی شواهدی کتمان‌ناپذیر از تدوین خود، به عنوان یک مجموعه است. در ظاهر، مصحف مجموعه‌ای از متون مستقل با تنوع ساختاری چشمگیر است که امکان طبقه‌بندی بی‌درنگ آن در یک گونه خاص وجود ندارد.

در گزارش‌های سنتی، به ضرورت‌های سیاسی برای تبیین و توجیه این واقعیت پذیرفته شده اشاره گردیده که جمع قرآن تا حدی شتاب‌زده و مکانیکی صورت گرفته است. اگرچه سایر بازنگری‌های ناگزیر، توقیف و ممنوع شد، اما از ترتیب سوره‌ها در دو تایی از آنها - یعنی: مصحف ابن مسعود (ف ۳۲) و مصحف ابی بن کعب (ف حدود ۱۹) - اطلاع داریم. ظاهراً هر دو تن سوره‌های حمد، فلق و ناس را جزئی از پیکره قرآن تلقی نمی‌کردند و این سوره‌ها را دعاهایی می‌دانستند که باید هنگام تلاوت قرآن خوانده شوند (دائرة المعارف قرآن، شکل و ساختار قرآن، ج ۳، ص ۵۳۶).

جوین بول در مقاله «حدیث و قرآن» EQ بحث را به گونه‌ای پیش برده که جمع قرآن در زمان رسول خدا ﷺ را نفی کرده است. او در بخشی از مقاله خود آورده است:

در توضیح اینکه چرا محمد ﷺ خود در زمان حیاتش آیات وحی را در یک مصحف، یعنی مجموعه‌ای از اوراق (صحف)، گردآوری نکرد، گفته‌اند: او می‌خواست مطالب قرآنی را مفتوح نگاه دارد تا افزودن و درج موارد نسخ مربوط به برخی احکام همچنان میسر باشد (ر.ک: ابن حجر، بی‌تا، ج ۱۰، ص ۳۸۶؛ ج ۲، ص ۸ به بعد).

به همین دلیل است که خلفای راشدین (چهار خلیفه نخست اسلام) تنها پس از وفات پیامبر اقدام به این کار کردند (دائرة المعارف قرآن، حدیث و قرآن، ج ۲، ص ۴۵۷).

جوین بول در بخشی دیگر از همین مقاله آورده است:

در یک روایت مشابه دیگر (ر.ک: سیوطی، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۱۸۴ به بعد) نقل می‌شود که ابتدا گمان می‌کردند دو سوره یا دعای کوتاه دیگر موسوم به «سورة الخلع» و «سورة الحفد» نیز بخشی از نسخه منقح اولیه ابی بن کعب، مقدم بر نسخه ابوبکر، بوده است، اما این دو سوره در نهایت، به ۱۱۴ سوره قرآن اضافه نشد. و سرانجام، سجع‌هایی که به شدت یادآور سوره‌های مکی اولیه و پر از سوگندهای گوناگون به نظر پیشااسلامی‌اند، که سزاوار نیست آنها را به عنوان اقتباس صرف رد کنیم (طبری، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۲۴۸۴؛ ج ۱۳، ص ۲۲۳ به بعد)، این گمان را به وجود می‌آورند که احتمالاً قطعات بیشتری از این دست نیز وجود داشته که به حال خود رها شده و هرگز در آنچه بعدها به «نسخه عثمانی» شهرت یافت، راه نیافته‌اند. علاوه بر این، از سوی دیگر (سیوطی، ۱۴۱۶ق، ج ۳، ص ۷۲-۷۵) فهرست مفیدی از آیات گوناگون، از جمله آیه مشهور «سنگسار» گردآورده که به گفته برخی از صحابه، از قرار معلوم بر محمد ﷺ نازل شدند، اما هیچ‌گاه در نسخه عثمانی گنجانده نشدند (دائرة المعارف قرآن، حدیث و قرآن، ج ۲، ص ۴۵۹).

آنجلیکا نویورت در مقاله «شکل و ساختار» EQ نیز جمع قرآن را پس از پیامبر ﷺ می‌داند و به گونه‌ای بحث خود را پیش برده که شبهه تحریف را هم القا کرده است. او می‌نویسد:

براساس روایات اسلامی غالب، نسخه نهایی و معتبر قرآن مرهون بازنگری آن در شورای عثمان بن عفان (حک: ۲۳-۳۵)، خلیفه سوم، تشکیل داد. بر این نکته اذعان شده که هنگام تکوین این نسخه، ترتیبی برای سوره‌ها لحاظ شد که تا آن زمان تثبیت نگردیده بود. در موارد متعددی نیز آیاتی که به صورت مجزا نقل شده بودند وارد سیاق‌هایی کاملاً جدید شدند. اما این شورا تنها مطالبی را می‌پذیرفت که وثاقت آنها با سنت شفاهی و یا مکتوب معتبر تأیید می‌شد، و تمام مجموعه وحی قرآنی راه، که در آن زمان در دسترس بود، در نظر می‌گرفت. بنابراین، در نگاه سنتی، نقش این شورا تنها جمع قرآن بوده است؛ جمعی تمام‌عیار و در تطابق کامل با تصور مسئول اصلی این امر؛ یعنی عثمان که براساس گزارش‌ها - گذشته از رعایت برخی احتیاط‌های زبان‌شناختی - وظیفه‌ای جز جمع‌آوری همه بخش‌های موجود قرآن بر عهده بازنگران قرار نداده بود. گزارش‌های سنتی درباره جمع قرآن با

شواهدی که خود متن (قرآن) ارائه می‌کند، سازگار است؛ زیرا مصحف جدید، که دعوی هیچ‌گونه مبنای منطقی زمانی (برحسب نزول) یا عقیدتی برای ترتیب واحدهای مستقل (سوره‌ها) ندارد - و ظاهراً تنها براساس معیارهای خارجی فنی سامان یافته است - حاوی شواهدی کتمان‌ناپذیر از تدوین خود به عنوان یک مجموعه است. در ظاهر، مصحف مجموعه‌ای از متون مستقل با تنوع ساختاری چشمگیر است که امکان طبقه‌بندی بی‌درنگ آن در یک گونه خاص وجود ندارد.

در گزارش‌های سنتی، به ضرورت‌های سیاسی برای تبیین و توجیه این واقعیت پذیرفته شده که جمع قرآن تا حدی شتاب‌زده و مکانیکی صورت گرفته، اشاره شده است. اگرچه سایر بازنگری‌های ناگزیر توقیف و ممنوع شد، اما از ترتیب سوره‌ها در دو تا از آنها (یعنی مصحف ابن مسعود (ف ۳۲) و مصحف ابی بن کعب (ف حدود ۱۹) اطلاع داریم. ظاهراً هر دو تن سوره‌های حمد، فلق و ناس را جزئی از پیکره قرآن تلقی نمی‌کردند و این سوره‌ها را دعاهایی می‌دانستند که باید هنگام تلاوت قرآن خوانده شوند (دائرة المعارف قرآن، شکل و ساختار قرآن، ج ۳، ص ۵۳۶).

آنجلیکا نویورت در مقاله «شکل و ساختار قرآن» می‌نویسد:

در سوی دیگر، موضع مقابل، یعنی رویکرد تجدید نظرطلبانه و به شدت شکاکانه جان ونزبرو قرار دارد که متأثر از گرایشی جدیدتر در مطالعات عهدینی، یعنی تحلیل صورت و همچنین رویکردهای معناشناختی است. مدافعان این رویکرد تمام گزارش‌های سنتی درباره قرآن را رد می‌کنند و نقشی را که پیش‌تر در تدوین قرآن به پیامبر و خلفای نخستین نسبت داده می‌شد، طی فرایند بازنگری، به گروهی نامعلوم، که پنداشته می‌شود یک قرن یا بعدتر گرد آمدند، نسبت می‌دهند. به تعبیر اندرو ریپین، «تثبیت متن قرآن و مشروعیت و قداست‌بخشی بدان، به موازات شکل‌گیری جامعه صورت گرفت. پیش از به دست آوردن کامل قدرت سیاسی، متن نهایی و تثبیت شده کتاب مقدس (قرآن)، نه ضرورت داشت و نه کاملاً امکان‌پذیر بود. بنابراین، انتهای قرن دوم تاریخی محتمل برای گردآوری سنت شفاهی و عناصر عبادی است که به پیدایش متن نهایی کتاب مقدس (قرآن) انجامید (همان، ص ۵۳۵).

مقایسه، نقد و بررسی (جمع قرآن)

۱. مقایسه دیگر آثار خاورشناسان و EQ

محموری‌ترین مقاله‌ای که در EQ به موضوع نگارش و تنظیم قرآن پرداخته، مقاله «جمع قرآن» است. مؤلف این مقاله جان برتن است که در کتابی مستقل با عنوان **جمع آوری قرآن**، برخلاف دیدگاه غالب خاورشناسان، جمع و نگارش قرآن در زمان رسول خدا ﷺ را پذیرفته و روایات جمع قرآن در دوران خلفا را نقد کرده و با شواهدی مردود دانسته است.

او طرح مسئله «جمع قرآن در زمان خلفا» و مصاحف صحابه را برآمده از ذهن فقیهان اهل سنت می‌داند، که می‌خواهند نسخ تلاوت و حکم و نیز نسخ تلاوت و بقای حکم را توجیه کنند و از این طریق، آن دسته از احکام

فقهی خود را که مستند آنها در نصوص مصحف حاضر وجود ندارد، به قرآن مستند کنند؛ و اگر پیامبر اسلام آیات قرآن را در قالب مصحفی گردآوری کرده باشد، دیگر فقیهان مذکور نمی‌توانستند از اختلاف قرائات مصاحف صحابه و حذف نصوصی از مصحف حاضر، در قالب دو شکل نسخ تلاوت سخن به میان آورند. آنان چاره کار را در این دیدند که با جعل روایاتی، نقش پیامبر را از عرصه جمع‌آوری قرآن حذف کنند و گردآوری آن را به دوران پس از حیات ایشان منتقل کنند و چنین نیز کردند (بررسی کتاب جمع‌آوری قرآن جان برتن - قرآن پژوهی خاورشناسان شماره ۷).

این دیدگاه، که «سوره‌ها و آیات قرآن زیر نظر پیامبر اکرم ﷺ نگارش یافته و تنظیم شده است»، می‌تواند به مفهوم مصونیت قرآن از تحریف به زیاده و نقیصه باشد و در مقایسه با سایر دیدگاه‌های خاورشناسان، منصفانه‌تر تلقی می‌شود. با این حال، برتن در مقاله «جمع قرآن» EQ اگرچه به کوشش فقیهان اهل سنت برای استناد برخی احکام نیامده در مصحف، به قرآن پرداخته، ولی هیچ تصریحی به جمع قرآن در زمان رسول خدا ﷺ نکرده است.

او راه سلف خویش را در موضوع «جمع قرآن» پی گرفته و در جای‌جای مقاله «جمع قرآن»، تحریف قرآن را به مخاطب خود القا کرده است؛ از جمله، او در همان آغاز مقاله، تأکید می‌کند که اثرگذارترین مفسران و بیشتر فقها بر این باورند که هیچ‌گاه تمام قرآن گردآوری نشد. او اقسام گوناگونی از جابه‌جایی و تحریف در قرآن را بر اساس روایات گزارش می‌کند، و در ادامه، روایاتی مبنی بر حذف آیه «رجم»، حذف سه چهارم سوره توبه، و اشتغال سوره احزاب بر ۲۰۰ آیه را نقل می‌کند.

به نظر می‌رسد جان برتن در مقاله «جمع قرآن» بدون هیچ‌گونه کم و کاستی، مطالب خاورشناسان پیشین را تعقیب کرده و موضوع «جمع قرآن» را بهانه‌ای قرار داده است که قرآن را در معرض «تحریف به نقیصه» و «تحریف به زیاده» قرار دهد و مخاطب خود را نسبت به سندیت آیات قرآن متحیر و سردرگم کند و می‌توان گفت: مقاله «جمع قرآن» از معدود مقالات EQ است که غرض‌ورزی و هجمه به قرآن را به نهایت رسانده است. افزون بر مقاله «جمع قرآن»، دیگر مقالات EQ، که به مناسبت، به موضوع «جمع قرآن» پرداخته‌اند، تاریخ جمع قرآن را همچون دیگر خاورشناسان، پس از دوره رسول خدا ﷺ می‌دانند.

نقد و بررسی

بیشتر خاورشناسان با وجود ادله و شواهد فراوان بر جمع‌آوری قرآن در زمان رسول خدا ﷺ از این ادله عبور کرده و کوشیده‌اند توفیقی بودن در ترتیب سوره‌ها و همچنین توفیقی بودن در چینش آیات در هر یک از سوره‌ها را انکار کنند. به نظر می‌رسد این دیدگاه خاورشناسان، که تقریباً همه آنان درصدد اثبات آن هستند، برآیند یک پژوهش جامع و عالمانه نیست، بلکه بدون تردید - دست‌کم - شماری از آنان در این نتیجه‌گیری و اصرار بر این دیدگاه، بی‌طرفانه عمل نکرده‌اند و از این طریق، در پی بی‌اعتباری قرآن موجود بوده‌اند؛ زیرا پذیرش شکل‌گیری و تدوین و تنظیم قرآن کریم در زمان رسول خدا ﷺ بر اعتبار و خدشه‌ناپذیری هرچه بیشتر قرآن می‌افزاید و فاصله قرآن و دیگر متون مقدس را از لحاظ سندیت و اعتبار افزایش می‌دهد و سنگینی پذیرش چنین وجهه و اعتباری برای

قرآن، چشم آنان را بر ادله و شواهدی که در طرف مقابل دیدگاه آنان وجود دارد، می‌بندد. حتی جان برتن، که در مقاله خود به جمع قرآن در زمان رسول خدا ﷺ گراییده، این ادله را نادیده گرفته و به دلیل دیگری استناد کرده است که در ادامه، به مخدوش بودن آن اشاره خواهیم کرد.

قابل ذکر است که بسیاری از ادعاهای خاورشناسان متکی بر اخبار آحاد و ضعیفی است که نزد مسلمانان اعتباری ندارد.

البته باید اذعان کرد که از منظر مسلمانان، حتی اگر تنظیم آیات و سوره‌ها پس از پیامبر و با اجتهاد صحابه هم رخ داده باشد، از اعتبار و سندیت قرآن نمی‌کاهد؛ زیرا در این صورت هم به استناد منابع روایی و تاریخی، بخش عمده آن در زمان رسول خدا ﷺ تنظیم شده و نسبت به بخش‌های دیگر هم با توجه به حافظه‌های قوی عرب و نیز نوشته‌های فراوان از آیات و سوره‌ها، به گونه‌ای عمل شد که قرآن کریم از هرگونه تحریف به زیاده و نقیصه مصون و محفوظ ماند. ولی متأسفانه خاورشناسان در این مبحث، روایاتی را پررنگ کرده‌اند که از اعتبار قرآن می‌کاهد؛ مانند اثبات قرآن با خبر واحد و شهادت ۲ تن، درحالی‌که پذیرش جمع قرآن در زمان خلفا به مفهوم پذیرش همه آن روایات نیست. گفتنی است که بسیاری از عالمان شیعه مانند سید مرتضی (طبرسی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۴۲)، شیخ طبرسی (همان، ج ۱، ص ۴۲)، خویی (خویی، ۱۳۶۶، ص ۲۴۰) و برخی عالمان اهل سنت مانند بلخی (ابن طاووس، ۱۳۶۳، ص ۱۹۲)، نیشابوری (غرائب القرآن، ج ۱، ص ۲۸) و زحیلی (زحیلی، ۱۴۱۱ق، ج ۱، ص ۲۳)، قول به جمع قرآن در زمان رسول خدا ﷺ را پذیرفته‌اند (خویی، ۱۳۶۶، ص ۲۰۰؛ عاملی، ۱۴۱۰ق، ص ۴۷).

در اینجا، شماری از ادله و شواهد جمع و تدوین قرآن کریم در زمان حیات رسول خدا ﷺ را ذکر می‌کنیم: یک دلیل عقلی: قرآن کریم آخرین کتاب آسمانی است که بر آخرین فرستاده خدا نازل شده و آخرین شریعت الهی را به ارمغان آورده است و هدایت بشر را تا قیامت بر عهده دارد. از این‌رو، از منزلت ویژه‌ای نزد مسلمانان برخوردار است. و با چنین جایگاهی عقلاً نمی‌توان پذیرفت که رسول خدا و خاتم پیامبران ﷺ برای تدوین و تنظیم چنین کتابی، که تا ابد تکرار نخواهد شد، اقدام نکرده و آن را بین الدفتین قرار نداده باشد و آن را در معرض ضایع شدن قرار دهد.

ادامه نزول قرآن تا واپسین روزهای زندگی رسول خدا ﷺ نمی‌تواند دلیل مقبولی بر ترک نگارش قرآن و چینش آن در حیات رسول خدا ﷺ باشد؛ همچنان‌که شماری از روایات هم چنین در دوره رسول خدا ﷺ را تأیید می‌کند. برخی از این دلیل به «دلیل عقلی» و از سایر ادله به «دله نقلی» تعبیر کرده‌اند (خویی، ۱۳۶۶، ص ۲۵۳). آیت‌الله خویی روایات بیانگر جمع قرآن در دوران خلفا را مخالف عقل می‌داند؛ زیرا عظمت قرآن و اهتمام رسول خدا ﷺ به حفظ و قرائت قرآن و اهتمام مسلمانان به آن و نیز ثواب و پاداش مترتب بر حفظ و قرائت، با جمع شدن قرآن عصر پس از رسول خدا ﷺ منافات دارد (همان، ص ۲۵۳).

دو. اهتمام ویژه رسول خدا ﷺ: براساس منابع روایی و تاریخی، رسول خدا ﷺ نسبت به قرائت، حفظ، کتابت و

تنظیم آیات اهتمام ویژه‌ای داشتند. بر پایه روایتی از حضرت علی علیه السلام، رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: هر که قرآن بخواند، تا آن را حفظ نماید، خداوند او را وارد بهشت می‌کند و شفاعت او را درباره ده تن از افراد خانواده‌اش می‌پذیرد (هندی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۴۷۷). در شماری از روایات، به نقل از رسول خدا صلی الله علیه و آله پس از نزول برخی آیات آمده که جبرئیل دستور داده است که این آیه را در فلان سوره قرار دهم (زرکشی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۲۴۱).

پدید آمدن گروه زیادی از قاریان و حافظان در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله از پیامدهای توصیه رسول خدا صلی الله علیه و آله بر حفظ و قرائت قرآن کریم بود. سیوطی در *الاتقان*، شماری از قاریان و حافظان صحابه را نام برده است (سیوطی، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۷۲) و برحسب قاعده، حفظ و قرائت قرآن و به‌ویژه قرائت و حفظ سوره‌هایی خاص، همچون بقره، که در برخی روایات بر آن تأکید شده، خود دلیل نگارش قرآن در عصر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است (مسلم، بی‌تا، حدیث ۳۳، ص ۵۵).

افزون بر این، رسول خدا صلی الله علیه و آله بر کتابت قرآن نیز اهتمام داشتند و ضمن اینکه همه مسلمانان را به آن ترغیب فرمودند، به افرادی خاص برای نگارش قرآن مأموریت داده بودند. از زید بن ثابت روایت شده است که من همیشه وحی را برای رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌نوشتم و آن حضرت پس از دریافت وحی، آن را برای من املا می‌کرد و من آن را بر تکه استخوانی می‌نوشتم، و زمانی که از نوشتن فارغ می‌شدم، پیامبر می‌فرمودند: بخوان. من می‌خواندم، و اگر مطلبی افتاده بود، آن را تصحیح می‌کردند، آن گاه آن را برای مردم بیرون می‌بردیم (ابن حجر عسقلانی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۵۲).

سه. وجود مصاحف: روایاتی که از وجود مصاحف متعدد در زمان حیات آن حضرت خبر می‌دهد، بیانگر نگارش و تدوین قرآن در زمان آن حضرت است. به گفته شهرستانی، عموم محدثان و مورخان بر موجود بودن مصاحف بسیاری در هنگام رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله اجماع دارند (شهرستانی، بی‌تا، ص ۵۲).

براساس روایتی، نسخه‌ای از قرآن هم نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله بود که به هنگام وفات، به حضرت علی علیه السلام فرمودند: قرآن در کنار بستر من، در جزوه‌ها، حریرها و کاغذهاست. آنها را جمع کن و نگذار ضایع شود، چنان که یهود تورات را ضایع کردند. حضرت علی علیه السلام به این وصیت عمل کردند (عروسی حویزی، ۱۴۲۲ق، ج ۵، ص ۷۲۶). همچنین براساس روایات پرشمار، حضرت علی علیه السلام پس از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله در خانه نشستند و سوگند یاد کردند که ردا بر دوش نگیرند تا هنگامی که قرآن را جمع‌آوری کنند (سیوطی، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۲۰۴؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۸۹، ص ۵۲)، و زمانی که کارشان پایان یافت، که این مدت را بین سه روز تا شش ماه گفته‌اند (رامیار، ۱۳۶۲، ص ۳۶۸) آن را به مسجد بردند، درحالی که مردم پیرامون ابوبکر گرد آمده بودند؛ و فرمودند: پس از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله تاکنون به جمع‌آوری قرآن مشغول بوده‌ام و تمام آنچه را بر پیامبر نازل شده است، در این پارچه گرد آورده‌ام. مبدا که فردا بگوئید از آن غافل بوده‌ایم! آن گاه عمر به‌پا خاست و با دیدن آنچه حضرت علی علیه السلام در نوشته‌ها آورده بودند، گفت: به آنچه آورده‌ای نیازی نیست و آنچه نزد ماست، ما را کفایت می‌کند (ابن ندیم، ۱۴۱۶ق، ص ۳۰). از این سخن عمر نیز استفاده می‌شود که نسخه‌هایی از قرآن از همان آغاز نزد صحابه موجود بوده است.

چهار. روایات جمع قرآن: گزارش‌هایی که به صراحت از جمع و تدوین قرآن در زمان رسول خدا ﷺ و زیر نظر آن حضرت خبر می‌دهد، از دیگر ادله جمع قرآن در زندگی رسول خدا ﷺ است. در روایات، نام چهار یا ۶ تن از صحابه آمده که قرآن را در زمان رسول خدا ﷺ جمع کرده‌اند (بخاری، بی تا، ج ۶ ص ۱۰۳؛ عاملی، ۱۴۱۰ق، ص ۹۰). زید بن ثابت گزارش کرده است که ما نزد رسول خدا ﷺ بودیم و قرآن را از رقاغ (قطعه‌هایی از پوست یا دیگر چیزها که بر آن می‌نوشتند) جمع‌آوری و تنظیم می‌کردیم (سیوطی، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۹۹)، و هنگامی که قتاده از انس بن مالک سؤال کرد که چه کسانی قرآن را در زمان پیامبر جمع کردند؟ انس پاسخ داد: چهار تن: ابی ابن کعب، معاذ بن جبل، زید بن ثابت و ابوزید که همه انصاری‌اند (زرکشی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۲۴۱).

پنج. نگاه به مصحف و ختم قرآن: در شماری از روایات، بر تلاوت قرآن از روی مصحف تشویق شده است (عاملی، ۱۴۰۳ق، ج ۶ ص ۲۰۴)؛ از جمله انس بن مالک از رسول خدا ﷺ روایت کرده است: «کسی که با نظر به مصحف، قرآن را بخواند از بینایی بهره برده است (متقی هندی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۴۷۷). همچنین در روایاتی رسول خدا ﷺ به ختم قرآن تشویق کرده‌اند؛ مانند روایتی که ختم قرآن در مدت هفت روز را عمل مقربان و ختم آن در پنج روز را عمل صدیقان شمرده است (همان، ص ۴۶۱). صحیح بخاری آورده است: «ان النبی ﷺ قد امر عبدالله بن عمرو بأن یختم القرآن فی کل سبع لیل مره».

شش. تعبیر واژه «کتاب»: در آیات پرشماری، از قرآن کریم به «کتاب» تعبیر شده است: «ذلک الکتابُ لا رَبَّ فِیه هُدًی لِّلْمُتَّقِینَ» (بقره: ۲). در روایات نیز از قرآن تعبیر به «کتاب» شده است؛ از جمله، در روایت معروف «تقلین» آمده است: «انی تارک فیکم الثقلین کتاب الله وعترتی» (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱ق، ج ۳، ص ۱۰۹). از کاربرد «کتاب» بر قرآن استفاده می‌شود که قرآن یک مجموعه جمع‌آوری شده بوده و عینیت و تحقق خارجی داشته و بین‌دفتین جای گرفته و آغاز و فرجامی داشته است و علی‌القاعده چنین کتابی می‌تواند یکی از دو چیز گران‌بهایی باشد که امت موظفند به آن چنگ بزنند تا گمراه نشوند، و بعید است که مقصود از «کتاب» آیات و سوره‌هایی باشد که در حافظه مردم جای دارد، و یا مقصود آیتاتی باشد که به صورت پراکنده بر چوب و پوست و یا کف استخوان گوسفندان نوشته شده است؛ و اگر هم چنین استعمالی صحیح باشد، باید به صورت مجازی باشد که خلاف اصل و نیازمند قرینه است (خویی، ۱۳۶۶، ص ۲۵۲). البته با این دلیل، اجمالاً جمع و تدوین قرآن در زمان رسول خدا ﷺ ثابت می‌شود، نه ترتیب به صورت کنونی.

هفت. تصریح به نام سوره‌ها: در بسیاری از روایات، به نام تعدادی از سوره‌های قرآن تصریح شده و در خواص و فضایل آن سوره‌ها و نیز خواندن آنها در اعمال مستحبی و از جمله نماز، مباحثی طرح شده است (ابن ابی شیبیه، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۴۰۴).

همچنین روایتی سوره‌های قرآن را به ۴ قسمت «سبع طوال»، «مئین»، «مثنائی»، و «مفصلات» قسمت کرده است. (کلینی، ۱۳۷۵ق، ج ۲، ص ۶۰۱؛ احمد بن حنبل، بی تا، ج ۴، ص ۱۰۷).

روایت دیگری نیز دلالت دارد که قرآن در زمان رسول خدا ﷺ به ۷ جزء تقسیم شده بود (احمد بن حنبل، ج ۴، ص ۳۴۳). در یک روایت آمده است که رسول خدا ﷺ در یکی از رکعات نماز خود، ۷ سوره طولانی قرآن را خواندند (ابن ابی شیبیه، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۴۰۴). ۷ سوره ذکر شده در این روایت با ترتیب کنونی قرآن هماهنگ است.

این روایات بیانگر آن است که آیات قرآن در ضمن سوره‌هایی تنظیم شده بود و صحابه نیز با این سوره‌ها در زمان رسول خدا ﷺ آشنایی داشتند و طبعاً این روایات با روایات جمع قرآن در عهد خلفا در تعارض است.

هشت. تحدی به سوره: قرآن کریم در شماری از آیات، اقدام به تحدی کرده است. این هم‌اوردطلبی در دو جا به یک سوره است؛ از جمله: «وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِثْلِهِ وَادْعُوا شُهَدَاءَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ» (بقره: ۲۳) و در جای دیگر، تحدی به ۱۰ سوره شده است: «أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِثْلِهِ وَادْعُوا مَنْ اسْتَطَعْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ» (یونس: ۳۸). روشن است که این تحدی در صورتی صحیح است که سوره‌ها تنظیم شده و تشخیص پیدا کرده باشند و در صورت عدم تنظیم آیات در قالب سوره، معنایی ندارد.

نه. فاتحه‌الکتاب: از یک سو، رسول خدا ﷺ از سوره حمد با «فاتحة الكتاب» یاد کرده (ترمذی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۱۵۶)، و از سوی دیگر، این سوره نخستین سوره نازل شده قرآن نیست. از این دو نکته استفاده می‌شود که قرآن کریم در زمان آن حضرت به ترتیب کنونی تنظیم شده و سوره حمد در آغاز آن سوره‌ها قرار گرفته است.

ده. مخالفت با اجماع: براساس اجماع مسلمانان، راهی برای اثبات قرآن بجز از طریق تواتر نیست، درحالی‌که مقتضای روایات جمع قرآن در زمان خلفا، این است که آیات قرآن تنها با شهادت دو شاهد و گاه با شهادت یک تن، که شهادت او معادل دو شاهد بوده، اثبات می‌شده است، و لازمه چنین امری اثبات قرآن با خبر واحد است که مسلمانان آن را نمی‌پذیرند.

این نکته قابل ذکر است که بخشی از ادله ذکر شده ناظر به توقیفی بودن سوره‌ها و بخشی ناظر به توقیفی بودن آیات است. برخی از این ادله اگرچه نمی‌تواند به تنهایی جمع‌آوری قرآن بین الدفتین را در زمان رسول خدا ﷺ اثبات کند، ولی می‌تواند پاسخ مناسبی برای خاورشناسانی باشد که کوشیده‌اند از روایات جمع قرآن، گونه‌ای از آشفته‌گی و پراکندگی همزمان در آیات و سوره‌ها را به مخاطب خود القا کنند و نتیجه بگیرند که هم گردآمدن و تنظیم آیات در قالب سوره‌ها و هم ترتیب سوره‌ها در زمان رسول خدا ﷺ انجام نشده است؛ چنان‌که نولدکه در مطلبی که پیش‌تر از او نقل شد، در نتیجه‌گیری روایات جمع، آورده است: «بنابراین، براساس این روایات، خلیفه نخست با نصوص و حیانی پراکنده و پاره پاره رو به‌رو بود و یا آن‌چنان که سیوطی تفسیر می‌کند، این آیات در یک‌جا گردآوری نشده بود و سوره‌ها نیز مرتب نبود»، و چنان‌که ونزبو پا را فراتر گذاشته و قطعیت نهایی و تثبیت متن قرآن را قدم به قدم با شکل‌گیری جامعه همگام دانسته و اواخر قرن دوم را برای وقوع چنین اتفاقی حدس زده است.

پاسخ به ادعای کتابت و جمع بخشی از قرآن

همان گونه که گذشت، برخی خاورشناسان، مانند گلزیه‌ر و رژی بلاشر کتابت وحی را از همان آغاز نزول نپذیرفته و مدعی شده‌اند که کتابت قرآن پس از گذشت مدت زمانی از شروع وحی، انجام شده است.

برخی از ادله تدوین قرآن کریم در زمان رسول خدا ﷺ - که پیش‌تر به آن اشاره شد - ناظر به پاسخ این ادعا نیز هست؛ از جمله دلیل عقلی اهمیت و جایگاه قرآن کریم، و نیز ادله نقلی اهتمام ویژه رسول خدا ﷺ و مؤمنان به کتابت، حفظ و قرائت قرآن که بیانگر این واقعیت است که به کتابت و حفظ قرآن از همان روز نخست اهمیت داده شد، به گونه‌ای که همه آیات ثبت و ضبط و در نهایت، جمع و تدوین گردید.

برای پاسخ به این ادعا، افزون بر ادله پیشین، می‌توان به ادله ذیل نیز استناد کرد:

یک. براساس شماری از آیات قرآن، رسول خدا ﷺ آن چنان بر حفظ و یادگیری آیات قرآن حریص بودند که پیش از آنکه جبرئیل امین وحی آیات و یا سوره‌ای را به اتمام برساند، با عجله و شتاب آن را تلاوت می‌کردند، تا مبدا فراموش شود. بدین روی، خداوند متعال پیامبر خود را از این عجله بازداشته و صیانت قرآن را به خود نسبت داده است؛ از جمله در این آیات: «لَا تُحَرِّكْ بِهِ لِسَانَكَ لِتَعْجَلَ بِهِ * إِنَّ عَلَيْنَا جَمْعَهُ وَقُرْآنَهُ * فَإِذَا قَرَأَهُ فَاتَّبِعْ قُرْآنَهُ» (قیامت: ۱۶-۱۸)؛ «وَلَا تَعْجَلْ بِالْقُرْآنِ مِنْ قَبْلِ أَنْ يُقْضَى إِلَيْكَ وَحْيُهُ وَقُلْ رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا» (طه: ۱۱۴)؛ «سَتَقْرَأُكَ فَلَا تَنسَى» (اعلی: ۶). همچنین در آیه «إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ» (حجر: ۹) وعده حفظ و صیانت قرآن کریم را به رسول خدا ﷺ داده است.

دو. براساس روایات، رسول خدا ﷺ چه در مکه و چه در مدینه، همواره بر کتابت قرآن کریم تأکید داشتند؛ از جمله، در روایتی امیرالمؤمنین ؑ تصریح می‌کنند که «ایه‌ای بر رسول خدا ﷺ نازل نمی‌شد، مگر اینکه پیامبر آن را برای من می‌خواندند و املا می‌کردند و من آن را به خط خود می‌نوشتم. همچنین آن حضرت تأویل، تفسیر، ناسخ، منسوخ، محکم، متشابه، عام و خاص آیات را به من تعلیم می‌دادند و از خدا می‌خواستند که فهم و حفظ آیات را به من عطا کند و در نتیجه، من آیه‌ای از قرآن را فراموش نکردم» (کلینی، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۶۴).

سه. براساس گزارش‌های تاریخی، رسول خدا ﷺ در مکه و در مدینه، کاتبانی داشتند که آیات وحی را می‌نوشتند. برخی شمار این کاتبان را تا ۴۳ تن هم ذکر کرده‌اند که نام‌دارترین آنها عبارتند از: خلفای چهارگانه، زید بن ثابت، ابی بن کعب، زبیر بن عوام، طلحه بن عبدالله (زنجانی، ۱۴۱۰ق، ص ۴۸). از مجموع ادله، به روشنی استفاده می‌شود که پیامبر اکرم ﷺ از نخستین روزهای دریافت وحی، همواره بر صیانت قرآن اهتمام داشتند و آن را بر کاتبان امینی همانند امیرالمؤمنین ؑ املا می‌فرمودند تا آن را کتابت کنند؛ و این ادعا که در دوران نخستین نزول وحی تمایلی برای کتابت آن نبود، بی‌اساس است.

پاسخ به ادعای فراموشی آیات از سوی رسول خدا ﷺ

رژی بلاشر در بخشی از کلام خود با نقل داستان گذر رسول خدا ﷺ از مجلس وعظ و قرائت آیه‌ای از قرآن توسط

واعظ، در حالی که رسول خدا ﷺ آن آیه را فراموش کرده بود، نتیجه می‌گیرد که ممکن است بخشی از آیات از حافظه صحابه و رسول خدا ﷺ پاک شده باشد و در نتیجه، همه قرآن نگارش نیافته باشد. بلاشر با طرح آیه «ما نَسَخَ مِنْ آيَةٍ أَوْ نُنسِهَا نَأْتِ بِخَيْرٍ مِنْهَا أَوْ مِثْلَهَا أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (بقره: ۱۰۶) و پیوند فراموشی با موضوع نسخ، آیه را مؤید روایت فراموشی رسول خدا ﷺ دانسته است. این در حالی است که سخن بلاشر از جهاتی مردود است:

۱. قرآن به صراحت، رسول خدا ﷺ را مخاطب قرار داده، به وی اطمینان می‌دهد که هرگز آیه‌ای از قرآن را فراموش نخواهی کرد: «سَتُنقِئُكَ فَلَا تَنسَى» (اعلی: ۶). این آیه مکی است و پیش از آیه ۱۰۶ سوره بقره نازل شده و به پیامبر اکرم ﷺ وعده می‌دهد که قرآن کریم را به همان نحوی که نازل شده است، همیشه در حافظه خواهد داشت و هرگز دچار نسیان نخواهد شد (طباطبایی، ۱۳۹۳ق، ج ۱، ص ۳۸۲).

۲. پیوندی که بلاشر بین «نسخ» و «انساء» برقرار کرده غلط است؛ زیرا «نسخ» به مفهوم به پایان رسیدن مدت حکم شرعی پیشین به وسیله آیه و دلیل پسین است. بنابراین، ربطی به «انساء» ندارد.

۳. انساء - آن گونه که بلاشر معنا کرده - به مفهوم «امحای آیه منسوخ از حافظه همه مؤمنان است» و این مفهوم هیچ ربطی به داستان نقل شده درباره رسول خدا ﷺ و نتیجه‌گیری بلاشر ندارد؛ زیرا محتوای این داستان فراموشی آیه‌ای از سوی رسول خداست، درحالی‌که از حافظه مؤمنان، از جمله واعظ محو نشده بود.

۴. بلاشر در ضمن کلام خود، انساء و نسخ آیات را به پیامبر خدا ﷺ نسبت داده و نتیجه گرفته است که پیامبر می‌توانسته در همه دوره‌ها و تا پایان دوره رسالتش، آیاتی را که منحصر در حافظه مسلمانان است، با محای از حافظه آنان نسخ کند، در حالی که براساس آیه، انساء و نسخ از شئون خداوند متعال است و فرستاده او در این زمینه نقشی ندارد.

نتیجه‌گیری

مقالات EQ در مقایسه با آثار خاورشناسان پیشین، در نحوه ورود و خروج و پرداختن به موضوع روایات جمع قرآن، رویکرد بهتری دارد و از لحن ملایم‌تری برخوردار است و مؤلفان مقالات کوشیده‌اند از ابراز موضع صریح علیه و حیانت قرآن بپرهیزند، و در مقایسه با دیگر دائرةالمعارف‌های اسلامی خاورشناسان، وجهه علمی و بی‌طرفی در مقالات را تقویت کنند. ولی باین حال، به نظر می‌رسد این تفاوت رویکرد مبنایی و اساسی نیست، بلکه روشی است برای تأثیرگذاری بیشتر بر مخاطبان و به‌ویژه مخاطبان مسلمان؛ زیرا روشن است که خاورشناس غیرمسلمان به حیانی بودن قرآن اعتقادی ندارد و طبعاً به شیوه‌های گوناگون می‌کوشد که این باور خود را تقویت کند و در حیانی بودن قرآن خدشه و تردید ایجاد نماید؛ چنان‌که در همین موضوع، بیشتر مؤلفان EQ از ادله فراوان نگارش قرآن در زمان رسول خدا ﷺ عبور کرده، به جمع قرآن در دوره خلفا و حتی پس از آن گراییده‌اند.

منابع

- ابن ابی شیبه، ۱۴۰۹ق، *المصنّف*، به کوشش سعید محمد، دار الفکر.
- ابن حجر عسقلانی، بی تا، *فتح الباری*، بیروت، دار المعرفه.
- ابن طاووس، ۱۳۶۳، *سعد السعود*، قم، منشورات الرضی.
- ابن ندیم، ۱۴۱۶ق، *الفهرست*، به کوشش یوسف علی، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- احمد بن حنبل، بی تا، *مسند احمد*، بیروت، دار صادر.
- بخاری، بی تا، *صحیح البخاری*، به کوشش بن باز، بیروت، دار الفکر.
- جعفر مرتضی عاملی، ۱۴۱۰ق، *حقايق هامة حول القرآن الکریم*، قم، نشر اسلامی.
- جولد تسپهر، ۱۳۷۴ق، *مذاهب التفسیر الاسلامی*، به کوشش عبدالحمید النجار، قاهره، مکتبه الخانجی.
- حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱ق، *المستدرک علی الصحیحین*، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- حر عاملی، ۱۴۰۳ق، *وسائل الشیعه*، به کوشش ربانی شیرازی، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- خویی، سیدابوالقاسم، ۱۳۶۶، *البیان فی تفسیر القرآن*، تهران، کعبه.
- رامیار، محمود، ۱۳۶۲، *تاریخ قرآن*، تهران، سپهر.
- رژئی بلاشر، ۱۳۶۵، *در استانه قرآن*، ترجمه محمود رامیار، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- زحیلی، ۱۴۱۱ق، *التفسیر المنیر*، بیروت، دارالفکر.
- زرکنشی، ۱۴۱۵ق، *البرهان فی علوم القرآن*، به کوشش مرعشلی، بیروت، دار المعرفه.
- زنجانی ابوعبدالله، ۱۴۱۰ق، *تاریخ القرآن*، به کوشش محمد عبدالرحیم، دمشق، دار الحکمه.
- سوقی، بی تا، *الفکر الاستشراقی تاریخه و تقویمه*، بی جا.
- سیوطی، جلال الدین، ۱۴۱۶ق، *الاتقان*، به کوشش دیب البغاء، دمشق، دار ابن کثیر.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین، ۱۳۹۳ق، *المیزان*، بیروت، اعلمی.
- طبرسی، ۱۴۱۵ق، *مجمع البیان*، به کوشش گروهی از علماء، بیروت، اعلمی.
- طبری، ۱۴۱۵ق، *جامع البیان*، به کوشش صدقی جمیل، بیروت، دار الفکر.
- عروسی حویزی، ۱۴۲۲ق، *نور التقلین*، به کوشش سیدعلی عاشور، بیروت، التاریخ العربی.
- کریمی نیا، مرتضی، ۱۳۸۰، *مرجع مطالعات قرآن در غرب*، تهران، ترجمه و نشر.
- کلینی، ۳۷۵، *الکافی*، به کوشش غفاری، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- متقی هندی، ۱۴۱۹ق، *کنز العمال*، به کوشش دمیاطی، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ق، *بحار الانوار*، بیروت، داراحیاء التراث العربی.
- مسلم، بی تا، *صحیح مسلم*، به کوشش محمد فؤاد، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- مونتگمری وات، ویلیام، ۱۹۹۸م، *الاسلام والمسیحیة فی العالم المعاصر*، ترجمه عبدالرحمن عبدالله الشیخ، قاهره، الهیئه المصریه العامه.